

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانیان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۴ جولای ۲۰۲۲

در باره زندگی رفیق شهید

بهروز عبدی



چریک فدائی خلق، رفیق بهروز عبدی در بعد از ظهر روز سوم بهمن ۱۳۵۱ در جریان یک انفجار ناخواسته در مشهد به شهادت رسید. محلی که این انفجار در آن رخ داد خانه

چریک فدائی خلق، رفیق بهروز عبدی در بعدازظهر روز سوم بهمن ۱۳۵۱ در جریان یک انفجار ناخواسته در مشهد به شهادت رسید. محلی که این انفجار در آن رخ داد خانه‌ای بود که در خیابان "خواجه ربیع" مشهد قرار داشت و پایگاه رفقاه بهروز عبدی و پوران یداللهی بود که مدت زیادی هم از استقرار آنها در آنجا نمی‌گذشت.

رفیق بهروز عبدی یکی از کمونیست‌های فدائی آگاه و از جان گذشته بود که در زمان شهادتش تنها ۲۱ سال سن داشت.

هنگام حادثه، این دو رفیق بمبی را آماده کرده بودند تا در ۶ بهمن [دلو] در سالگرد آنچه شاه جنایتکار آنرا "انقلاب سفید" می‌نامید جهت افشای جنایات رژیم سلطنت در مراکز سرکوب رژیم شاه کار بگذارند. ولی متأسفانه به دلیل "یک تصادف"، بمب در خانه رفقاه منفجر شد و در نتیجه رفیق بهروز عبدی به شهادت رسید و رفیق پوران مجروح گردید. اما این چریک فدائی خلق قبل از

این که دژخیمان رژیم بتوانند وی را به شکنجه‌گاه‌های خود بکشانند با یک اقدام قهرمانانه، با خوردن سیانور، ساواک شاه را از زنده دستگیر کردن خود ناکام ساخت.

رفیق بهروز دانشجوی رشته مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی و از چهره‌های فعال جنبش دانشجویی در این دانشگاه بود؛ رفیق مبارزی که فعالانه در جهت نشر افکار انقلابی تلاش می‌کرد. در آن سال‌ها با اعلام موجودیت جنبش مسلحانه، فضای سیاسی دانشگاه‌ها کاملاً تغییر کرده و سمپاتی بزرگی نسبت به چریک‌های فدائی خلق و تئوری راهنمای آنها "مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی هم تاکتیک" و به این اعتبار مارکسیسم – لنینیسم به مثابه ایدئولوژی راهنمای آنها ایجاد شده بود. در چنین فضایی دانشجویان بسیاری همانند رفیق بهروز با جان و دل در جهت پیوستن به چریک‌های فدائی خلق و مبارزه در راه آرمان‌های طبقه کارگر، اعلام آمادگی می‌کردند.

رفیق بهروز عبدی در اواخر سال ۱۳۵۰ در ارتباط با سازمان قرار گرفت. پس از برقراری این ارتباط او تعدادی از دانشجویان دانشگاه صنعتی را که مستعد پیوستن به سازمان می‌دید به سازمان معرفی نمود. از جمله این دانشجویان

رفیق ابراهیم پوررضا خلیق بود که در اواخر سال ۱۳۵۲ در مشهد در زیر شکنجه‌های وحشیانه ساواک به شهادت رسید.

در زندگی‌نامه‌ای که سازمان چریک‌های فدائی خلق در سال ۱۳۵۲ برای رفیق بهروز نوشته است گفته شده که "رفیق عبدی در تابستان ۱۳۵۱ در یک تیم چریکی با مسئولیت رفیق فرخ سپهری شرکت جست و مشغول آموزش چریکی شد. هنوز یک ماه از تشکیل تیم آنها نگذشته بود که واقعه سلیمانیه رخ داد و رفیق سپهری به شهادت رسید. در این هنگام ارتباط رفیق بهروز با سازمان قطع شد. او همراه رفیق بی تجربه دیگری با تمام وسایل و امکانات پایگاه تیمی‌شان تنها ماند. در این موقعیت او با وجود بی تجربگی‌اش می‌بایست کارهای زیادی انجام دهد. رفیق با تکیه به ایمان و روحیه مبارزه جویانه‌اش و فداکاری زیادی که داشت از عهده انجام تمام کارهای تیمی‌شان به خوبی برآمد و پس از یک ماه و نیم تلاش موفق شد با سازمان مجدداً رابطه برقرار کند. پس از برقراری ارتباط، هشیاری و احساس تعهد رفیق در حل مسائل مربوط به یک واحد آسیب‌دیده، تحسین همه رفقاء را برانگیخته بود. رفیق عبدی بعد از آن در کنار رفقای دیگر مشغول فعالیت شد و خدمات ارزنده‌ای انجام داد".

درست همین توانائی و شایستگی‌های توصیف شده در فوق باعث شد تا رفقای مرکزیت رفیق بهروز عبدی را همراه با رفیق پوران یداللهی جهت راه‌اندازی شاخه مشهد به این شهر اعزام کنند.

در زندگی‌نامه نوشته شده در سال ۱۳۵۲، همچنین در توصیف رفیق بهروز آمده است که "رفقای نزدیکش به یاد دارند که همیشه می‌گفت: ما مبارزان راه رهایی طبقه کارگر از بند استعمار و استثمارگران هستیم و باید در این راه با تلاش خستگی ناپذیر و مداوم پیش برویم". این اندیشه‌ای بود که در طول زندگی مبارزاتی رفیق عبدی همواره راهنمای حرکت وی بود و به وی کمک نمود تا "صادقانه و با تمام وجود خدمت‌گزار راه رهایی خلق" باشد. رفیق بهروز رفیقی بود که علی‌رغم سن کمش از چنان آگاهی والای کمونیستی و از چنان ایمان به درستی راه چریک‌های فدائی خلق برخوردار بود که با جان و دل در راه رهایی کارگران فعالیت نمود و در این راه از نثار خون خود نیز دریغ نورزید.

یاد رفیق بهروز عبدی گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از ماهنامه کارگری ارگان کارگری چریک‌های فدائی خلق ایران

شماره ۱۰۲، پانزدهم تیرماه- سرطان- ۱۴۰۱